



Comparative Study of the Substantial Similarity Standard as a Criterion for Determining Copyright Infringement in Cinematic Works under Iranian and U.S. Law

Seyed Kamal Sajjadi ¹, Mohammad Bagher Parsapour ², Hesameddin Almasvand

1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Khatam University, Tehran, Iran, Email:

k.sajjadi@khatam.ac.ir

2. Associate Professor, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran, Email: parsapour@modares.ac.ir

3. Graduate of Private Law, Faculty of Humanities, Khatam University, Tehran, Iran. Email: :

hessamalmasvandi@gmail.com

Abstract

Received:
03/10/2025
Revised:
23/10/2025
Accepted:
05/10/2025
Published
online:
04/11/2025

Cinema is considered a multifaceted art form which integrates diverse creative elements into a unified whole. Owing to this complexity, the identification of copyright infringement in cinematic works necessitates the application of precise and layered legal criteria. Among the various standards developed in jurisprudence, the doctrine of substantial similarity has emerged as the most significant instrument for assessing the infringement of authors' rights in audiovisual creations. This study, employing a descriptive-analytical methodology and a comparative framework between the legal systems of Iran and the United States, examines the multiple dimensions of the substantial similarity test. Particular attention is devoted to the practical application of the ordinary observer test and the extrinsic test within judicial determinations. Furthermore, the research elaborates on the doctrine of fair use and the difference between the nature of idea and its expression, both of which serve as pivotal criteria in evaluating whether infringement has occurred. The findings indicate that the absence of clear and coherent legal frameworks within Iranian jurisprudence has resulted in inconsistencies across judicial rulings. Nevertheless, the substantial similarity criterion, widely recognized in U.S. case law as the principal test for infringement, demonstrates potential adaptability to the Iranian legal context, thereby offering a pathway toward greater doctrinal clarity and consistency.

Keywords: Infringement, Intellectual Property Rights, Substantial Similarity, Ordinary Observer Test, Extrinsic Test

How To Cite: Sajjadi, SK. & Parsapour, MB & Almasvand, H. (2025). Comparative Study of the Substantial Similarity Standard as a Criterion for Determining Copyright Infringement in Cinematic Works under Iranian and U.S. Law, *Insights of Intellectual Property Law in Islamic Countries*, 1(3), 39-60. doi. org/ 10.22091/diplc.2025.14063.1026

Published by: University of Qom © The Author(s)

Article type: Research



مطالعه تطبیقی معیار شباهت اساسی به عنوان معیار تشخیص نقض حق مؤلف در آثار سینمایی در حقوق ایران و آمریکا

سید کمال سجادی^۱، محمدباقر پارساپور^۲، حسام‌الدین الماسوندی^۳

۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران، رایانامه: k.sajjadi@khatam.ac.ir

۲. دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، رایانامه: parsapour@modares.ac.ir

۳. فارغ التحصیل حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران، رایانامه: hessamalmasvandi@gmail.com

چکیده

سینما هنری چندوجهی و ترکیبی از مؤلفه‌های خلاقانه گوناگون است، شناسایی نقض حقوق مالکیت فکری در آثار سینمایی به واسطه ماهیت پیچیده‌اش، نیازمند معیارهای دقیق و چندلایه است. از میان معیارهای گوناگون، معیار شباهت اساسی به عنوان مهم‌ترین ابزار شناسایی نقض حقوق مؤلف در آثار سینمایی مطرح شده است. این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی و با تکیه بر تحلیل تطبیقی در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده تلاش دارد ضمن تشریح ابعاد مختلف معیار شباهت اساسی، آزمون‌های شناسایی آنکه شامل آزمون مخاطب عادی و آزمون تحلیل تخصصی (بیرونی) است را بررسی و جایگاه این آزمون‌ها را در آراء دادگاه‌ها تحلیل نماید. همچنین دکترین استفاده منصفانه از آثار دارای حق کپی‌رایت و تمایز ایده از بیان ایده که مؤثر در تشخیص مورد نقض واقع شدن یک اثر است را تبیین کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فقدان چهارچوب‌های شفاف و اصولی در حقوق ایران موجب تشتت در آراء قضایی شده است. با این وجود به نظر می‌رسد معیار شباهت اساسی که در رویه قضایی ایالت‌های متعدد آمریکا به عنوان معیار تشخیص نقض حقوق مالکیت فکری شناسایی شده، قابل تطبیق در نظام حقوقی ایران است.

واژگان کلیدی: نقض، حقوق مالکیت فکری، شباهت اساسی، آزمون مخاطب عام، آزمون تحلیل بیرونی.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۷/۱۱

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۰۸/۰۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۷/۱۳

تاریخ انتشار برخط:

۱۴۰۴/۰۸/۱۳

استناد: سجادی سید کمال؛ پارساپور محمدباقر و الماسوندی حسام‌الدین (۱۴۰۴). مطالعه تطبیقی معیار شباهت اساسی به عنوان معیار تشخیص نقض حق مؤلف در آثار سینمایی در حقوق ایران و آمریکا، *آموزه‌های حقوق مالکیت فکری کشورهای اسلامی*، ۱ (۳)، ۶۰-۳۹. doi.org/

10.22091/diplic.2025.14063.1026



نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: دانشگاه قم © نویسندگان

مقدمه

سینما به عنوان هفتمین هنر، ترکیبی از هنرهای دیگر مانند ادبیات و موسیقی است (صادقی، ۱۴۰۲: ۲). سینما یک هنر قصه‌گویی بصری است که به ما امکان می‌دهد احساسات و تجربیات انسانی را بدون زبان به جهان منتقل کنید (Haskell, 2022: 79). سینما امروزه ترکیبی از هنر و فناوری است که به واسطه آن ایده‌ها و داستان‌ها به نمایش کشیده می‌شوند (مصطفوی، ۱۴۰۳: ۱۰).

یک شاخصه اصلی اثر سینمایی، چندوجهی بودن این اثر است، درواقع ما با پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که خود مشتمل بر چندین هنر مختلف مثل داستان‌نویسی و تصویربرداری و طراحی صحنه است که هرکدام به عنوان یک اثر مستقل، جدا از ترکیب ایجاد شده، دارای حقوق مالکیت فکری است؛ درست است که از نظر بصری همین ترکیب شکل گرفته کنار همدیگر باعث اقبال مخاطب به این هنر و محبوبیتش طی یک قرن گذشته شده، ولی خود این ویژگی باعث می‌شود تشخیص نقض اثر سینمایی پیچیده‌تر باشد و با یک دید سطحی و بدون معیارهای دقیق، نمی‌توان نقض این آثار را متوجه شد، لیکن به نظر هنوز رویه قضایی ایران در ارتباط با تشخیص تجاوز به آثار ادبی و هنری با خلأ روبه‌رو است (لک زائی، ۱۴۰۱: ۲). برای اینکه بتوانیم از نقض این حقوق صحبت کنیم باید در ابتدا تعریف دقیقی از نقض ارائه دهیم، نقض در لغت به معنای ویران کردن و شکستن و شکستن عهد پیمان است (عمید، ۱۳۹۶: ۱۲۱۸). اما نقض مالکیت فکری به صورت بهره‌برداری بدون مجوز از حقوق انحصاری متعلق به صاحب حق که ممکن است به طرق مختلف شکل گیرد تعریف شده است (Campbell black, 2004: 2286). به دیگر سخن، از آثار متعلق به دیگران بدون اجازه آن‌ها استفاده شود، به نحوی که به یکی از حقوق مادی^۱ یا معنوی^۲ صاحب حق اثر لطمه و زیان وارد آید (زرکلام، ۱۳۸۸: ۱۸). درواقع حقوق مالکیت فکری نوعی ابزار قانونی است که به صاحبان ایده‌ها و خلاقیت‌های غیرمادی اجازه می‌دهد تا از دارایی‌های ناملموس خود در برابر نقض و استفاده غیرمجاز دیگران محافظت کنند (Drahos, 2016: 22).

نقض به این نحو کلی به صورت‌های زیر ممکن است رخ بدهد:

الف. نقض مستقیم: در این نوع نقض، نقض کننده، یک اثر دارای حق کپی‌رایت را بدون اجازه استفاده، تکثیر، توزیع یا اقتباس می‌کند، در این نقض صرف انجام عمل غیرمجاز کافی است و نیازی به اثبات قصد ندارد (Nimmer & Nimmer, 2021: 12-15) و فقط شاکی باید نشان دهد که اثری که مورد نقض واقع شده دارای حق کپی‌رایت بوده و متهم یکی از حقوق صاحب اثر را بدون اجازه نقض کرده است.

ب. نقض مشارکتی: نقض مشارکتی به نحوی است که فرد به طور غیرمستقیم در نقض شرکت دارد؛ نقض مشارکتی اثبات نمی‌شود، مگر در صورتی که عمد و تقصیر خواننده اثبات شود (بادینی و نجفی، ۱۳۹۶: ۳۷). فرد

1. Material Rights

2. Intellectual Property Rights

در صورتی می‌تواند مسئولیت مشارکتی داشته باشد که اطلاع داشته باشد نقضی در حال وقوع است و به‌طور فعالانه و عملی به آن کمک کند (Nimmer & Nimmer, 2021: 134)، مانند پرونده MGM Studio v. (Grokster 2005) که در این پرونده دادگاه Grokster مسئول نقض مشارکتی دانست، چون به‌عنوان ارائه دهنده نرم‌افزارهای استراک فایل، ابزارهای لازم جهت نقض را به‌طور آگاهانه فراهم نموده بود.

ج. نقض نیابتی: به‌طورکلی نقض نیابتی به تحمیل مسئولیت بر شخصی به سبب خطای شخص دیگر اطلاق می‌شود (Sykes, 1988: 563)، در حقوق آمریکا مسئولیت نیابتی مبتنی بر تقصیر نیست (Batholomew, 1366: 2006). برخلاف حقوق ایران که چنین مسئولیتی نیز مبتنی بر تقصیر است (شهبازی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۶۳) و باید سبب اقوی باشد، وگرنه مباشر مسئول است. این نقض زمانی رخ می‌دهد که فرد از فعالیت نقض کننده دیگری سود و منفعت مالی می‌برد، بدون آنکه عملاً به‌طور مستقیم در نقض شرکت داشته باشد و حق کنترل و مهار اقدامات متخلف را داشته باشد (شفیعی، ۱۳۹۸: ۱۵). این نظارت و کنترل رفتار دیگری مستلزم احراز رابطه قبلی میان عامل زیان و ناقض نیابتی است (شهبازی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۶۵). به‌عنوان مثال در پرونده Shapiro v. H. L. Green co F.2d (1963) دادگاه حکم داد مالکان فروشگاه‌های زنجیره‌ای که در فروشگاه‌هایی که اجاره داده‌اند آثار موسیقایی به صورت غیرمجاز به فروش می‌رسد به دلیل نقض نیابتی مسئول شناخته می‌شوند، چون اثبات شد مالکان فروشگاه توانایی نظارت و کنترل فروشگاه‌هایی که اجاره داده بودن را داشتند و درعین حال منفعت مالی نیز نصیب مالکان شده بود.

همچنین در پرونده A&M Records, Inc v. Napster F.3d 1004 (2001) شرکت ناپستر به وسیله توزیع رایگان نرم‌افزار اشتراک فایل mp3 امکان انتقال این فایل را میسر کرد و کاربران آن از این طریق فایل‌های mp3 را دانلود می‌کردند، ناپستر از تخلف کاربران نسبت به حق کپی‌رایت آثار اطلاع داشت و بدون امکانات حمایتی ناپستر کاربران نمی‌توانستند به راحتی موسیقی را دانلود کنند، پس در حقیقت ناپستر واجد مسئولیت معاونت در نقض تلقی گردید و علاوه بر آن دادگاه رأی به نقض نیابتی ناپستر نیز داد چون ناپستر از این عمل بهره مالی برده بود، بدین صورت که درآمد آینده ناپستر به تعداد کاربران بستگی داشت و به این طریق کاربران خود را افزایش داده بود (گرچی، ۱۳۷۲: ۱۳۱). دادگاه اعلام داشت که ناپستر قادر به نظارت بر کاربران بوده پس هم نقض نیابتی داشته و هم نقض به نحو معاونت (دوران، ۱۳۹۱: ۷۱).

بیشترین تعداد آثار به اصطلاح مشترک را آثار سینمایی تشکیل می‌دهند (پورمحمدی، ۱۳۹۲: ۳). پیچیدگی‌های اثر سینمایی به‌عنوان یک اثر تلفیقی و خلأهایی که در بخشی از قوانین ما در حوزه حقوق مالکیت فکری خصوصاً آثار سمعی و بصری وجود دارد که باعث تشتت آراء شده، موجب ترغیب ما به نوشتار این مقاله و ارائه معیارهای مهم برای تشخیص نقض حقوق مالکیت فکری آثار سینمایی به خصوص شباهت اساسی به‌عنوان

مهم‌ترین معیار تشخیص نقض آثار سینمایی شد تا مرزهای استفاده غیرمجاز از آثار و استفاده مجاز مشخص گردد.

۱. شیوه‌های نقض یک اثر سینمایی

امروزه نقض به شیوه‌های مختلفی رخ می‌دهد قبل از بحث درباره معیارهای تشخیص وقوع نقض حقوق مالکیت فکری اثر سینمایی، جا دارد که شیوه‌های رایج نقض در آثار سینمایی را مورد بررسی قرار داد، البته آنچه ما قصد بحث از آن را در این مقاله داریم بیان این شیوه‌ها نیست، بلکه می‌خواهیم بفهمیم نقض در هر کدام از این شیوه‌ها تا چه حدی باید باشد که بگوییم نقض رخ داده و معیار تشخیص ما چه می‌تواند باشد.

۱-۱. تکثیر و توزیع غیرمجاز^۱

می‌توان گفت که مهم‌ترین و البته شایع‌ترین و برجسته‌ترین نقض در حوزه سینما تکثیر و توزیع غیرمجاز آثار سینمایی است (Hall, 2023: 10)؛ با توجه به آسان شدن دسترسی به اینترنت، ارائه نسخه‌های کپی شده از فیلم‌ها در فضا مجازی به یکی از رایج‌ترین موارد نقض حقوق مالکیت فکری تبدیل شده است (Muso, 2022).

۲-۱. نقض حق اقتباس از اثر^۲

هرگونه اقتباس، تغییر یا بازسازی اثر جزء حقوق منحصراً صاحب اثر است و انجام آن بدون اجازه صاحب اثر منجر به نقض حق صاحب اثر می‌شود، یکی از علل اصلی ایجاد این حق برای صاحب اثر این است که توسعه آثار اقتباسی ارزش اقتصادی اثر اصلی را می‌تواند کاهش بدهد، مخصوصاً اینکه معمولاً کیفیت این آثار عموماً از اثر اولیه و اصلی پایین‌تر است. حق اقتباس به نوعی یک ابزار کنترلی بازار است و صاحب حق با کنترل نسخه‌های اقتباس یافته از اثرش، دارد از اعتبار اثر اصلی خود و ارتزاق از آن محافظت نماید (Afori, 2007: 49-51). یکی دیگر از علل‌هایی که حقوق‌دان‌ها در تأیید دادن حق اقتباس به خالقین اثر اصلی بیان کرده‌اند این است که خلق اثر اقتباسی ممکن است به دلیل تقلیل ارزش اثر اصلی باعث از بین رفتن انگیزه خالقان در تولید آثار نوآورانه بشود (Abramowicz, 2005: 303).

۳-۱. نقض حق پخش و نمایش عمومی^۳

نمایش عمومی یک اثر سینمایی بدون اخذ مجوز از صاحب حق آن نوع دیگری از نقض حق محسوب می‌شود، در این نمایش تفاوتی ندارد که در مکان عمومی باشد یا شبکه‌های تلویزیونی یا پلتفرم‌های آنلاین چون فضا مجازی و دیجیتالی بودن محیط هیچ‌گونه تأثیری در اصل حمایت از اثر ندارد (شفیعی، ۱۳۹۸: ۹). بنابراین

1. Reproduction and Distribution

2. Right to Quote

3. Public Display

چه آثاری که از قبل وجود داشتن و سپس به صورت دیجیتال در آمدن و چه آثاری که از ابتدا به صورت دیجیتال پدید آمده‌اند همین که اصیل باشند مورد حمایت واقع می‌گردند (شفیعی، ۱۳۹۸: ۹)؛ در تمام این موارد حق پخش متعلق به صاحب حق اثر است، مگر اینکه با پرداخت حق الامتیاز فردی مجوز لازم را برای اکران و نمایش عمومی اثر به دست آورده باشد، البته باید دقت داشت نمایش اثر اگر به نوعی باشد که نشود به آن گفت نمایش عمومی یا به عبارتی یک نمایش خصوصی باشد، نقض محسوب نمی‌شود. گاهی تعیین این مرز نمایش عمومی و نمایش خصوصی بسیار سخت و مبهم است مخصوص در مواردی که نمایش آنلاین است و باید تعریف دقیق‌تری از نمایش عمومی ارائه شود (court of Justice of the European Union, 2021).

۴-۱. نقض حقوق علامت تجاری در فیلم‌ها^۱

هر نوع استفاده غیرمجاز از برندها و علائم تجاری ثبت شده در آثار سینمایی، نقض حقوق مالکیت فکری تلقی می‌شود و در صورت استفاده نادرست ناقض و تولید آثار با کیفیت پایین این نقض باعث کاهش ارزش علامت تجاری می‌شود؛ آنچه در نقض علائم تجاری اهمیت دارد و باید اثبات شود این است که خواهان باید ثابت کند که لوگو یا نام تجاری یک فیلم احتمالاً موجب سردرگمی، فریب یا اشتباه در بین مصرف‌کنندگان آن فیلم یا کمپانی می‌شود (Gregg, 2021: 14).

۵-۱. نقض حق ترجمه و دوبله در آثار سینمایی

یکی دیگر از حقوقی که در اختیار صاحب اثر است، حق ترجمه و دوبله اثر است که مورد بی‌توجهی معمولاً قرار می‌گیرد و از نقض‌های رایج حق مؤلف در این زمینه است که می‌تواند موجب مسئولیت مدنی شود (اسفندیاری، ۱۳۹۷: ۳).

۶-۱. نقض حقوق مرتبط با صدا و موسیقی در فیلم‌ها

در مورد استفاده از یک اثر صوتی در اثر سینمایی حساسیت‌های ویژه‌ای مخصوصاً در حقوق آمریکا وجود دارد و قاعده‌ای به نام (اجازه بگیره یا استفاده نکن)^۲ در مورد استفاده از آثار موسیقایی در حقوق آمریکا وجود دارد (ridgeport Music, Inc. V. Dimension Films 410 F.3d 792, 2005) و حتی استفاده کوتاه یا به عبارتی ناچیز و در حد چند ثانیه هم از موسیقی در یک اثر سینمایی بدون اجازه صاحب اثر منجر به نقض حق می‌شود.

1. Trademark

2. Get a Licences or Don,t Use It

۷-۱. دانلود غیرقانونی

بیشتر مطالبی که در اینترنت در اختیار کاربران قرار می‌گیرد به نحو رایگان است و این وضعیت باعث گردیده است که کاربران انتظار دسترسی رایگان به مطالب و آثار را داشته باشند و در مقابل پرداخت بها آن‌ها مقاومت کنند (صادقی، ۱۳۷۶: ۶۳). این انتظار یکی از عواملی است که موجب افزایش بارگیری غیرمجاز در بستر اینترنت و ضایع شدن حق مؤلف شده است؛ یکی دیگر از عواملی که موجب افزایش بارگیری غیرمجاز می‌شود این است که کاربران ممکن است بدون هویت واقعی و بی‌نام اقدام به فعالیت کنند و این مسئله که باعث کاهش احتمال شناسایی مرتکب تخلف می‌شود، مخصوصاً اگر قرار باشد این تخلف و نقض حق دائمی نباشد که خود این امر باعث افزایش این شیوه از نقض حق مؤلف می‌شود (اصلائی، ۱۳۸۴: ۲۸-۲۹).

۲. معیارهای تشخیص نقض حقوق مالکیت فکری آثار سینمایی

در رویه قضایی آمریکا جهت اثبات دعوی نقض حقوق مالکیت فکری آثار سینمایی عموماً وجود هم‌زمان معیارهای زیر ضروری است (Nimmer, 2021: 147).

۲-۱. دسترسی به اثر اصلی

در دعوی نقض حق مالکیت فکری آثار سینمایی به‌ویژه در مواردی که اثر به مرحله اکران عمومی و انتشار همگانی نرسیده؛ یکی از معیارهای اصلی اثبات دسترسی به اثر اصلی است، یعنی شاکی بعد از اینکه نشان داد مالک قانونی حق کپی‌رایت اثر است باید اثبات کند که متهم به نقض به نوعی امکان دسترسی به اثر اصلی را داشته، اثبات این دسترسی مستلزم وجود فرصت معقولی است که طرف خوانده این نقض ادعایی در این زمان فرصت مشاهده و نقض اثر اصلی را داشته (Nimmer, 2021: 164) و ممکن است چنین استنباط شود که اثبات دسترسی به اثر اصلی سنگ بنای دعوی نقض کپی‌رایت است و بدون آن ادعا نقض ممکن است بی‌اعتبار باشد (Fishman, 2015: 213). چون در صورت عدم اثبات دسترسی به اثر اصلی متهم به نقض می‌تواند ادعا شباهت اتفاقی را مطرح کند و دسترسی را مقدمه ضروری هر نوع نقض حق مؤلف بیان دارد و با عدم اثبات دسترسی، نقض حق مؤلف اثر اولیه را زیر سؤال ببرد. در آثار سینمایی قبل از بررسی میزان شباهت میان دو اثر باید ابتدا امکان دسترسی خالق اثر دوم به اثر ابتدایی و کپی‌برداری از روی آن به اثبات برسد (Loren&Reese, 2019: 11). فرض بگیرید یک فیلم در نروژ به‌وسیله عواملی که هیچ‌کدام ارتباطی با ایران ندارند، ساخته و اکران می‌شود، دو هفته بعد از اکران فیلم نروژی اثری در ایران اکران می‌شود که از نظر کمی و کیفی شباهت‌های اساسی با اثر اولی دارد، اما آیا اثر ساخته شده توسط کارگردان ایرانی می‌تواند نقض حق دارنده کپی‌رایت فیلم نروژی باشد؟ پاسخ خیر است؛ چون احتمال دسترسی کامل عوامل ایرانی به اثر نروژی از قبل اکرانش ممکن نبوده و پروسه ساخت و انتشار یک فیلم هم خیلی بیشتر از دو هفته به طول خواهد کشید، فلذا اکران دیرتر فیلم ایرانی دلیلی بر

کپی‌برداری از روی فیلم نروژی نیست، دسترسی به اثر معمولاً یا از طریق انتشار اثر در بستر اینترنت که موجب دسترسی عمومی به آن است، امکان‌پذیر می‌شود یا از طریق ارتباط مستقیم شخص متهم به نقض با یکی از عوامل خلق‌کننده اثر اولیه که این ارتباط می‌تواند ارتباط شخصی باشد یا ارتباط کاری؛ شباهتی که اینجا رخ داده شباهت اتفاقی است که نقض محسوب نمی‌شود.

۲-۲. تأثیر اقتصادی

حقوق مالکیت فکری با رشد و توسعه اقتصادی رابطه مستقیم و غیرمستقیم دارد. با قوانین کارآمد و مناسب در این عرصه، می‌توان نمود آن را در بخش‌های مختلف مشاهده کرد (خلیل‌اللهی و دیگران، ۱۴۰۳: ۵۱۵). در حقیقت به‌طور کلی اقتصاد جزئی جدایی‌ناپذیر از حقوق است (نصیری مقدم، ۱۳۸۶: ۱۴). بر اساس این معیار هر چه تأثیر اقتصادی نقض بیشتر باشد و باعث کاهش ارزش اقتصادی و ضربه به اثر اولیه شود، مجازات‌های شدیدتری اعمال می‌شود؛ مقایسه فروش اثر اولیه و اصلی قبل و بعد از این نقض یکی از راه‌های تحلیل میزان خسارات وارد شده به آن اثر به‌وسیله نقض است. ایجاد ضربه به حیثیت برند و تولید‌کننده اثر اولیه در صورت پایین بودن کیفیت اثر حاصل از نقض (Perrin, 2017: 29) و کم شدن مصرف‌کنندگان و دنبال‌کنندگان دائمی آن برند از دیگر تأثیرات اقتصادی است که این نقض ممکن است ایجاد کند؛ این معیار معمولاً وابستگی زیادی به معیارهای دیگر دارد، مثلاً اگر نقض یک اثر موجب انتشار عمومی و دسترسی عمومی جامعه به آن شود تأثیر اقتصادی منفی که این نقض بر اثر اصلی نهاده نیز بیشتر می‌شود.

بعضی پژوهشگران معتقدند باید بازار اثر دوم بررسی گردد و اگر خالق اثر دوم ورود پیدا نکرده باشد، به بازارهای پیش‌بینی شده برای اثر اصلی اولیه، عمل وی نقض حق مؤلف اثر ابتدایی به حساب نمی‌آید (Samuelson, 2012).

۳-۲. قصد و آگاهی نقض‌کننده

قصد در لغت به معنا نیت و اراده برای انجام کاری است (معین، ۱۳۷۵: ۱۵۲۳). این معیار عمدی یا غیرعمد بودن نقض و میزان آگاهی متهم از نقض حق کپی‌رایت را مورد بررسی قرار می‌دهد، در دعاوی سینمایی اثبات قصد و آگاهی متهم می‌تواند بر مقدار خسارتی که دادگاه تعیین می‌کند برای جبران نقض تأثیر مهمی بگذارد، اگر متهم با آگاهی قصد اقدام به نقض حقوق مالکیت فکری کرده است، مسئولیت بیشتری بر عهده او خواهد بود؛ چون جرائم به صورت حداقلی و حداکثری تعریف شده و قصد و انگیزه ممکن است در رأی نهایی دادگاه تأثیر بگذارد. کپی‌برداری عمدی به‌ویژه اگر همراه با انگیزه تجاری باشد باعث می‌شود احتمال اینکه دادگاه جرائم سنگین‌تری را اعمال کند بیشتر شود (Crews, 2001: 124).

ما در این مقاله با روش تحلیلی توصیفی به دنبال این هستیم که معیار شباهت اساسی در شناسایی نقض حقوق مالکیت فکری آثار سینمایی را که کمتر راجع به آن صحبت شده، مورد بررسی قرار دهیم و با مطالعه‌ای تطبیقی امکان‌سنجی کنیم که آیا این معیار می‌تواند در حقوق ایران نیز همچون حقوق آمریکا به عنوان یکی از معیارهای اصلی در شناسایی نقض حق به کار برده شود یا خیر، زیرا با توجه به موفقیت‌های اخیر سینما ایران و جایگاه خاص آن در بین مردم و اهالی هنر، نیاز به ترسیم چهارچوب‌ها محکم‌تری برای این صنعت حس می‌شود.

۴-۲. شباهت اساسی به عنوان معیار اصلی تشخیص نقض

وجود هم‌زمان معیارهای فوق‌الذکر برای تشخیص وقوع نقض حقوق مالکیت فکری آثار سینمایی ضروری است. با وجود این در رویه قضایی آمریکا، معیار اصلی تشخیص وجود یا عدم وجود نقض حقوق اثر سینمایی وجود شباهت اساسی بین دو اثر است (Nimmer, 2021: 211). درواقع این معیار به عنوان مهم‌ترین معیار شناسایی نقض حق شناخته می‌شود، شباهت اساسی یعنی وجود شباهت‌های جدی و غیرقابل انکار (عمید، ۱۳۸۹: ۷۹۱). در عناصری که خلاقانه و اصیل^۱ هستند، مانند دیالوگ‌ها و شخصیت‌پردازی و صحنه‌پردازی؛ قید اساسی بودن در اینجا یعنی وجود شباهتی بین دو اثر به نحوی که نتوان منکر آن شد. دادگاه‌های آمریکا در رویه قضایی خود معیار شباهت اساسی رو به عنوان ضابطه‌ای برای شناسایی نقض آثار سینمایی برگزیدند، در ابتدا اگر اثر دوم از نظر کمی در بخش‌های مختلفی شبیه به اثر ابتدایی بود احتمال اینکه دادگاه رأی به نقض حق مؤلف صادر می‌کرد، بسیار زیاد بود. اما رویه‌ای که جدیداً ایجاد شده این است که شباهت باید در بخش‌های خلاقانه اثر باشد و دادگاه‌های آمریکا ضابطه اساسی بودن نقض را کیفیت نقض می‌دانند نه کمیت آن (میر حسینی، ۱۳۸۸: ۳۵).

یکی از پرونده‌هایی که مؤید این مسئله، پرونده 1111 F.3d Rentmeester v. Nike, Inc (2018) است، این پرونده در رابطه با ادعا نقض حق مؤلف عکس معروف پرش مایکل جردن، توسط شرکت نایکی و استفاده از آن عکس در لوگو موسوم به جامپمن^۲ هست، رنت میستر عکاس هلندی در سال ۱۹۸۴ عکسی از مایکل جردن در حال پرش گرفت که این عکس در مجله life منتشر گردید و بسیار مورد توجه واقع شد. بعدها شرکت نایکی عکاسی استخدام کرد تا عکسی مشابه از مایکل جردن بگیرد، این عکس با پس زمینه‌های متفاوت و تفاوت‌هایی در زاویه و کادربندی عکس و نورپردازی نسبت به عکس میستر گرفته شد و نایکی با استفاده از این عکس لوگو جامپمن که نماد برند Air Jordan است را ایجاد کرد. میستر ادعا کرد که عکس و لوگو جامپمن به وسیله نقض حق مؤلف او ایجاد شده، دادگاه بدوی ضمن رد ادعا میستر اعلام داشت که عکس میستر متفاوت از عکس و لوگویی است که نایکی گرفته و نقضی واقع نشده.

1. Authentic

1. Jumpman

دادگاه تجدیدنظر هم اعلام داشت این مسئله که شباهت‌هایی میان دو عکس وجود دارد صحیح است، اما این شباهت‌ها در سطح ایده هستند، نه بیان خلاقانه اثر و تفاوت‌های اساسی از جمله زاویه عکس و نورپردازی و پس‌زمینه و کادربندی بین دو عکس وجود دارد. بنابراین رأی دادگاه بدوی مبنی بر عدم نقض حق مؤلف میسر را تأیید نمود. برای اینکه معیاری باشد تا وصف اساسی بودن شباهت بین آثار را بتوان تمییز داد، آزمون‌هایی در نظام حقوقی آمریکا طراحی شده؛ اما باید به خاطر سپرد که در صورتی نوبت به بررسی آزمون‌های شباهت اساسی می‌رسد که ادله کافی برای دسترسی متهم به اثر اولیه وجود داشته و همین‌طور بین دو اثر شباهتی وجود داشته باشد (McDonagh, 2012: 411). گاه تشابهات زیادی از جهت عناصر تکنیکی، تصویر، ایده و موضوع میان دو اثر وجود دارد، اما لزوماً این شباهت‌ها کپی یا تقلید نیست (ضرغام و یوسفیانی، ۱۳۹۹: ۴۴). این کار دادرس است که بررسی کند آیا خلق‌کننده اثر دوم امکان دسترسی به اثر اولیه را داشته؟ و اگر داشته، میزان شباهت دو اثر تا چه میزان است (شاگری، ۱۴۰۰: ۳).

قانون‌گذار با وضع قوانین کپی‌رایت به دنبال حفظ حقوق مؤلفین و ایجاد یک امنیت اقتصادی برای فعالین عرصه آثار ادبی و هنری است، اما نکته‌ای که کمتر به آن در اکثر نظام‌های حقوقی توجه شده عدم ترسیم مرزهای نقض کپی‌رایت و شفاف نبودن ضوابط و قوانین مالکیت فکری برای عموم مردم به‌عنوان کسانی که موظف به رعایت آن هستند؛ نمی‌شود انتظار داشت جامعه بدون آنکه تفسیر درستی از بایسته و نبایسته‌های این قانون داشته باشد بتواند پاسخ صحیحی به این سؤال‌های بنیادی بدهد که «تا کجا مجاز به کپی‌برداری از یک اثر هستیم که یک الهام مشروع محسوب شود؟» و یا «کپی‌برداری به چه نحوی مشتمل بر نقض کپی‌رایت می‌شود؟» (زاهدی و شریف‌زاده، ۱۴۰۱: ۱۰۰).

آزمون‌های معیار شباهت اساسی در مقام پاسخ به این پرسش‌ها طراحی شدند و از آنجایی که آثار سینمایی ترکیبی از تصویر و فیلمنامه و موسیقی و اجرا و طراحی صحنه و تدوین و سایر هنرها است، تشخیص شباهتشان نیازمند آزمون‌هایی است که هم جنبه فنی مسئله هم جنبه عمومی شباهت بین آثار را بررسی کنند. مطابق ماده ۱۰۲ قانون کپی‌رایت ایالات متحده حمایت از مالکیت فکری شامل عنصری مثل ایده نمی‌شود؛ این مفهوم نقش کلیدی دارد در تعیین اینکه آیا اثر جدید به‌اندازه‌ای شبیه اثر اصلی است که نقض کپی‌رایت تلقی گردد یا خیر. این معیار وابستگی زیادی به معیار امکان دسترسی متهم نقض به اثر اصلی دارد (Nimmer, 2021: 223) و بدون اثبات امکان دسترسی به اثر اصلی نوبت به تحلیل آزمون شباهت اساسی میان آثار نمی‌رسد.

۳. آزمون‌های شناسایی نقض در معیار شباهت اساسی

همان‌گونه که بیان شد معیار شباهت اساسی، اصلی‌ترین معیار تشخیص وقوع نقض اثر سینمایی است. ولی مشکلی که در رویه قضایی آمریکا وجود دارد این است که تشخیص وجود شباهت اساسی نیز عملاً با دشواری

مواجهه است (Tushnet, 2004: 547). لذا جهت شناسایی، وجود شباهت اساسی میان دو اثر، معیارهای زیر پیشنهاد شده است:

۳-۱. آزمون مخاطب عادی^۱

یکی از ادله‌ای که در اعتبار این آزمون آمده این است که اساساً مخاطب مقررات کپی‌رایت اشخاص معمولی هستند، فلذا منطقی است که خود همین فرد هم صلاحیت تشخیص این همانندی را داشته باشد و تشخیص او برای مرجع قضایی دارای ارزش باشد. در تشخیص این شباهت، یک مخاطب عادی به‌عنوان کسی که هدف از خلق اثر جلب توجه آن بوده می‌تواند بهترین کارشناس باشد و می‌تواند شباهت در چشم‌اندازهای کلی اثر را شناسایی کند (شاگری، ۱۴۰۰: ۲۷).

در این آزمون فردی عادی به‌عنوان انسانی که دانش تخصصی درباره جزئیات ساخت یک اثر سینمایی ندارد، به صورت کلی دو اثر را بررسی می‌کند تا بفهمیم آیا در ارزیابی ابتدایی و غیر تحلیلی به صورت خودبه‌خود از دیدگاه مخاطب این دو اثر با یکدیگر به‌گونه‌ای شبیه به نظر می‌رسند که مخاطب حس کند اثر دوم از اثر اصلی تقلید شده است؟ فلذا از طریق آن و احساسی که در مخاطب بعد از دیدن اثر دوم ایجاد می‌شود درباره خطاکار بودن متهم به نقض قضاوت صورت می‌گیرد (Balganesh, 2012: 221). در این آزمون فرض را بر این می‌گیرند که مخاطب اثر به‌عنوان مصرف‌کننده، یک شخصی با هوش معمولی و قدرت حافظه‌ای مطابق عموم جامعه است (زاهدی، شریف‌زاده؛ ۱۴۰۱: ۹۱). این آزمون به نوعی قدیمی‌ترین آزمون برای بررسی معیار شباهت اساسی است و شروع آن با پرونده آرنستین بود.

پرونده (1946) Arnstein v. Porter F.2d 464: این پرونده درباره شکایت نقض حق مؤلف آرنستین ترانه‌سرای آمریکایی علیه پورتر آهنگساز مشهور است، آرنستین مدعی شده بود که پورتر از طریق افراد ثالثی به آثارش دست پیدا کرده و بدون مجوز از آن‌ها در آثار خود استفاده نموده است. دادگاه بدوی رأی به بی‌حقی آرنستین و نبود شباهت واضح از منظر دادگاه را داد؛ دادگاه تجدیدنظر با بررسی پرونده اعلام داشت که شباهت در بین این دو اثر باید از دیدگاه یک شنونده عادی باشد نه صرفاً یک کارشناس موسیقی و پرونده را به دادگاه بدوی بازگرداند تا مجدد مورد بررسی قرار گیرد. در بررسی مجدد هم اما رأی به بی‌حقی آرنستین صادر شد و از منظر شنونده عادی هم این آثار شباهت محسوسی باهم نداشتن علاوه بر اینکه آرنستین نتوانست دسترسی پورتر به آثارش را نیز اثبات کند.

به مرور رویه دادگاه‌ها ایالت متحده در اینکه فردی که ناظر عادی است و مورد آزمون قرار می‌دهد دو اثر را باید یک مخاطب عام باشد تغییر کرد و به جای مخاطب عام از «مخاطب هدف»^۲ برای این آزمون استفاده گردید

1. Ordinary Observer Test

1. Taeget Audience

(زاهدی و شریف‌زاده، ۱۴۰۱: ۹۳). مخاطب هدف در اکثر موارد همان مخاطب عام است، اما گاهی ممکن است مخاطب اصلی ساخت یک اثر قشر خاصی مانند علاقه‌مندان به گروه‌های ارکست و کر باشند یا اثر درباره کودکان باشد و کودکان مخاطب هدف قرار گیرند در این صورت‌ها ناظر باید از دیدگاه آن‌ها شباهت بین آثار را مورد بررسی قرار دهد.

از پرونده‌های معروفی که دادگاه مخاطب هدف را به‌عنوان ناظر قرارداد پرونده Walt Disney Productions v. Air Pirates F.2d 751 (1978) است. در این پرونده، گروهی به نام ایر پیراتس شروع به ساخت آثاری کمیک^۱ بر اساس شخصیت‌های معروف دیزنی مانند میکی موس و گوفی کردند و این شخصیت‌ها را در موقعیت‌های بزرگسالانه با رفتارهای یک فرد بالغ به تصویر کشیدند. خواهان مدعی بود که عمل این گروه موجب استفاده بدون مجوز از شخصیت‌های دارای کپی‌رایت شده و همچنین این نقض به اعتبار دیزنی لطمه وارد کرده است، گروه ایر پیراتس در دفاع از خود اعلام داشت که آن‌ها یک استفاده طنزآمیز داشته‌اند و هدفشان کسب منفعت و رقابت تجاری نبوده و به دنبال نقد اجتماعی بعضی رفتارهای اشتباه بزرگسالان هستند. استفاده طنزآمیز از آثار ادبی و هنری در صورتی که یک عنصر خلاقانه به آن اضافه کند و به قصد تجاری نبوده باشد می‌تواند تحت متمم اول قانون اساسی آمریکا و آزادی بیان و محدود نکردن آزادی مطبوعات قرار گیرد و نقض حق به حساب نیاید (Netanel, 2008: 24).

دادگاه بدوی رأی به نفع دیزنی صادر کرد و حکم به توقف برنامه داد و بیان کرد این اثر کمیک مرزهای استفاده طنزآمیز را زیر پا گذاشته، دادگاه تجدیدنظر در آزمون ناظر عادی مخاطب را یک کودک به حساب آورد و بیان داشت که شباهت این دو اثر به حدی است که باعث سردرگمی کودک می‌شود و تأثیر اثر در ذهن و تخیل یک کودک را معیار تشخیص قرارداد و علاوه بر این اثر کمیک گروه ایر پیراتس خلق جدیدی نکرده و یک کپی‌برداری کامل از شخصیت‌های دیزنی است.

در حقوق ایران معیار خاصی در قانون برای تشخیص نقض در حقوق مالکیت فکری نیامده و رویه قضایی هم به یک وحدت در شناسایی نقض نرسیده (زاهدی و شریف‌زاده، ۱۴۰۱: ۸۰). اما با این وجود به نظر می‌رسد برداشت عرفی و عمومی نقش مهمی در تشخیص نقض حق مؤلف برای قضات دارد که به آزمون ناظر عادی نزدیک است و از دید فنی و تخصصی مورد بررسی اکثراً قرار نمی‌گیرد. درحالی که یکی دیگر از آزمون مهم حقوق آمریکا در تشخیص شباهت اساسی، آزمون تخصصی و فنی است.

در یکی از پرونده‌های مطالبه خسارت ناشی از نقض حقوق مؤلف (دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۰۵۹۸) می‌شود این برداشت عمومی را احراز کرد. در این پرونده خواهان کتابی را ترجمه و منتشر کرده چندی بعد فردی با کپی‌برداری از اثر خواهان یک ترجمه دیگر از نسخه اصلی کتاب راهی بازار می‌کند

که این اقدام موجب کاهش فروش عرضه کننده ابتدایی کتاب و لطمه به آن می‌شود، دادگاه بدوی با توجه به درخواست خواهان برای محاسبه ضرر و زیان امر را به هیئت کارشناسی ارجاع می‌دهد، این هیئت به این نتیجه رسید که شباهت محسوسی بین دو اثر وجود دارد و عرف متوجه کپی برداری اثر دوم از روی ترجمه ابتدایی می‌شود، فلذا دادگاه با توجه به وجود این شباهت رأی به محکومیت خواننده و جبران خسارت داد.

این معیار ایراداتی بر آن وارد بود از جمله آنکه خواننده ممکن بود با ایجاد تغییراتی در اثر شباهت‌ها را از چشم مخاطب عادی پنهان کند به نحوی که مخاطب عادی تشخیص شباهت ندهد، چون نگاهش کلی است (Sprigman & Fink, 2019: 578). از همین رو یک آزمون فنی و تخصصی‌ام در نظام قضایی آمریکا برای پی بردن به شباهت اساسی گرفته می‌شود.

۳-۲. آزمون تحلیل بیرونی و جزئیات تخصصی^۱

در این آزمون قاضی و کارشناسان متخصص در موضوع مورد اختلاف و کارشناسان حقوقی ابتدا اجزای قابل حمایت کپی‌رایت هردو اثر را جدا می‌کنند و بعد بررسی می‌کنند که آیا شباهت اساسی، بین بخش‌های خلاقانه اثر که قابل حمایت هستند یا بین مثلاً ایده دو اثر که قابل حمایت نیست، وجود دارد. این آزمون برخلاف آزمون ناظر عادی به فهم مخاطب عادی از شباهت بین دو اثر وابسته نیست و بستگی به نظر فنی و کارشناسان همان حوزه خاص دارد، با وجود اهمیتی که به نظر می‌رسد این آزمون دارد ولی در عمل خیلی از دادگاه‌های آمریکا به همان آزمون ناظر عادی بسنده می‌کنند (Asay, 2022: 27). این مسئله در دعاوی آثار سمعی و بصری که نیاز به تحلیل فنی نیز دارند می‌تواند منجر به عدم رعایت عدالت و عدم حمایت کامل از صاحبان آثار بشود (Aistars, 2023: 128).

یکی از پرونده‌های مهم مربوط به این آزمون پرونده Swirsky v. Carey F.3d 841 (۲۰۰۴)، سویرسکی به عنوان خواهان ادعا کرد که ماریا کری در ترانه «Tank God I Found Yo» بخش‌هایی از ترانه او را کپی کرده است. دادگاه بدوی ضمن رد ادعا سویرسکی بیان داشت که شباهت اساسی میان دو اثر برای دادگاه ثابت نشده است؛ دادگاه تجدیدنظر اما در رسیدگی به پرونده از یک کارشناس موسیقی به نام دکتر والس خواست که شباهت میان دو اثر را بررسی کند، این موسیقی‌دان پس از بررسی معتقد بود که هردو اثر از نظر آکوردها و ملودی و چندین جهت دیگر شباهت غیرقابل چشم‌پوشی باهم دارند. بنابراین، دادگاه تجدیدنظر ضمن نقض رأی دادگاه بدوی بیان داشت که دادگاه بدوی تحلیل ناقصی ارائه داده و جزئیات یک اثر موسیقی را نادیده گرفته، این نادیده گرفتن جزئیات به این پرونده برنمی‌گردد و باعث شده که شباهت‌های ملودیک در موسیقی به یکی از رایج‌ترین موارد نقض کپی‌رایت تبدیل شود (Cronin, 2014: 214).

در حقوق ایران در قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان که مصوب ۱۳۴۸ صحتی از معیارهای تشخیص نقض ازجمله آزمون تحلیل بیرونی نشده، اما در رویه قضایی گاهاً قضات از نظرات کارشناسان رسمی دادگستری استفاده می‌گیرند که شباهاتی به آزمون تحلیل بیرونی دارد. اما ایراداتی بر آن وارد است، آثار سمعی و بصری از ترکیب چندین هنر تشکیل شده است که هر کدام از آن‌ها نیز چندین زیرشاخه دارد، شناخت کامل نسبت به هرکدام از آن‌ها تخصص ویژه‌ای نیاز دارد. اکثر کارشناسانی که موضوع به آن‌ها ارجاع می‌شوند فاقد این تخصص و آموزش‌های لازم هستند، فلذا نتیجه بررسی نمی‌تواند به آن دقتی که مقصود اصلی این آزمون‌ها است باشد.

ازجمله دعاوی که می‌توانست این آزمون در شناسایی میزان محق بودن خواهان به ما کمک کند ادعای نقض حق کپی‌رایت سعید سالارزهی نسبت به عروسک موسوم به جناب خان است. سعید سالارزهی کارگردان سریال کوچه مروارید بود که این سریال در مجموعه نمایش خانگی پخش می‌شد و اولین بار عروسک جناب خان در آن اثر مورد استفاده واقع شد و حق کپی‌رایت این عروسک به نام جناب سالارزهی ثبت گردید. سالیان بعد حضور این عروسک در برنامه خندوانه موجب معروفیت و استقبال مردم نسبت به آن شد؛ بعد از این معروفیت صاحب حق کپی‌رایت این عروسک مطالبه مبلغ سنگینی به خاطر حقش را داشت، این جریان با صلح طرفین به اتمام رسید، اما چند نکته بیانش خالی از لطف نیست، ابتدا اینکه آیا شخصیتی که به نام جناب خان شکل گرفت همگی حاصل از حضور همان شیء عروسکی بود؟ قطعاً پاسخ نه است، صدایش این شخصیت یعنی محمد بحرانی و عروسک‌گردان‌های آن نقش اساسی در ایجاد این شخصیت داشتند، زیرا که عروسک جناب خان در سریال کوچه مروارید هم وجود داشت؛ ولی این سریال موفقیت چندانی در فروش حاصلش نکرد. پس چنانچه این پرونده تحت آزمون ناظر عادی و سپس آزمون تحلیل بیرونی و بررسی توسط کارشناسان فنی قرار می‌گرفت، اگر هم تصمیم به رأی به نفع خواهان گرفته می‌شد، احتمالاً به میزان کمتری نسبت خواسته خواهان محکوم می‌گردید. نکته دیگر بحث اصالت اثر است، اساساً آثاری قابلیت حمایت را دارند که اصیل باشند، اما عروسک جناب خان خودش شباهت بسیار زیادی به یک عروسک خارجی داشت، این شباهت به نحوی بود که چه بسا عنصر داشتن اصالت و در نتیجه تحت حمایت قرار گرفتن این عروسک را می‌توانست زیر سؤال ببرد. با تمام این اوصاف صداوسیما به جهت جلوگیری از توقیف حضور این شخصیت در برنامه خندوانه و آسیب مالی ناشی از عدم حضورش، تصمیم بر صلح با صاحب حق این عروسک و انتقال حق کپی‌رایت گرفت.

۴. تمایز مابین ایده و بیان ایده از نظر تحت حمایت واقع شدن

در حقوق آمریکا برای اینکه محدودیت‌های ناشی از حقوق مؤلف مانع از خلق شدن آثار جدید توسط دیگر خالقان نشود، یک تقسیم‌بندی میان ایده و بیان ایده شکل گرفت تا به نوعی این حفاظت از حقوق مؤلف، خودش باعث نابودی این چرخه هنری نشود. آنگاه بنا بود ایده‌ها مورد حمایت واقع شوند این اتفاق باعث مرگ تدریجی

این شاخه مالکیت فکری می‌شد و چه بسا بعد از چند سال اساساً ایده قابل اعتنایی که ارزش انجام کار هنری داشته باشد، باقی نمی‌ماند که سازندگان آثار را متقاعد به خلق اثر کند.

منظور از ایده یک طرح خام و ساختار کلی است که هنوز به نحو خلاقانه‌ای بیان نشده است. ایده محض، از جمله محصولات ذهن انسان است که به صراحت از حیطه حمایت از حقوق مالکیت فکری خارج شده است (میرشمسی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۲). مورد حمایت واقع نشدن ایده‌ها در حقوق مالکیت فکری به اصلی مشترک چه در شاخه آثار ادبی و هنری و چه در شاخه مالکیت صنعتی تبدیل شده است (زرکلام، ۱۳۸۸: ۳۰). علت این عدم حمایت می‌تواند این باشد که نتیجه همچنین حمایتی به محدودیت شدید حوزه عمومی منتهی می‌شود که قانون‌گذار دنبال این مسئله نیست، سیاست اصلی قانون‌گذار از اعطا حقوق مالکیت فکری به خالقین اثر، حمایت از آثار مبتکرانه است که نتیجه آن پویایی و تشویق به انتشار آثار خلاقانه‌تر می‌شود، تعیین دامنه حقوق انحصاری مالکیت فکری از اهمیت بالایی برخوردار است، چون هرچه دامنه حمایتی حقوق مالکیت فکری از بخش‌های مختلف یک اثر افزایش پیدا کند، از قدرت ابتکار و انتخاب افراد دیگر که قصد خلق یک اثر منحصر به فرد را دارند، کم خواهد شد (Kurtz, 1992: 1223). اصل عدم حمایت از ایده‌ها^۱ باعث ایجاد یک توازن میان حمایت از آثار و همین‌طور حفاظت از خلاقیت و همچنین محروم نشدن سایر خالقین و حوزه عمومی از مفاهیم کلی و خام برای تولید آثار جدید می‌شود (میرشمسی و جلائیان، ۱۴۰۳: ۷). مقصود از ایده، مفهومی کلی مانند تلاش یک زندانی برای فرار از زندان است که پایه اصلی فیلمنامه بسیاری از فیلم‌های سینمای جهان بوده و آگه قرار بود ایده‌ها مورد حمایت قرار بگیرند، جدا از سخت شدن کار سازندگان یک اثر برای تولید یک محتوا با یک ایده جدید، مخاطبین آثار سینمایی هم از دیدن بسیاری از شاهکارهای هنر هفتم محروم می‌شدند، چون پیشرفت تکنولوژی باعث می‌شود که کیفیت آثار که عموماً ایده‌شان تکراری است به مرور بهتر شود.

بیان ایده نحوه پردازش و نمایش خلاقانه یک ایده است که این بیان تحت حمایت قانون مالکیت فکری قرار می‌گیرد و شامل عناصری مثل دیالوگ‌ها و دیگر بخش‌هایی است که به صورت خلاقانه باعث بیان یک ایده می‌شود، مانند طراحی صحنه و شخصیت‌پردازی سریال فرار از زندان. در حقوق ایران کلمات (بیان) (ایجاد) و (ظهور) که در ماده ۱ قانون حمایت حقوق مؤلفین و مصنفین ذیل تعریف اثر آمده این را می‌رساند که خود ایده قابلیت حمایت ندارد و هنگامی که با بیانی خلاقانه نمود خارجی پیدا کرد تحت حمایت قرار می‌گیرد (حکمت‌نیا و شعبانی، ۱۴۰۱: ۱۱۹).

از دعاوی معروف در این زمینه می‌توان به پرونده Baker v. Selden (۱۸۷۹) اشاره کرد. سلدن کتابی درباره سیستم حسابداری نوشت، او ستون‌ها و نمودارهای خاصی را طراحی کرده بود که موجب تسریع محاسبه می‌شد، بیکر هم چندی بعد کتابی برای روش‌های محاسبه منتشر کرد که از نظر عناوین و روش‌ها و نمودارها متفاوت از

کتاب سلدن بود. با این حال سلدن بابت نقض حق کپی‌رایت کتابش شکایت کرد و ادعایش این بود که حق انحصاری استفاده از ستون‌ها و نمودارها را دارد پس هرگونه عنوان و نموداری که به نحو مشابهی ایجاد شود به نقض کپی‌رایت سلدن منتهی می‌شود (Beldiman, 2008: 79). دیوان عالی آمریکا ضمن رد ادعا خواهان بیان داشت که تفاوت‌های فاحشی میان دو کتاب وجود دارد و اثری که در مورد یک دانش ریاضی است نمی‌تواند باعث ایجاد حق انحصاری برای خالقش نسبت به نمودارها و روش‌های کاربردی که به کار برده شود تا جلوی استفاده دیگران از آن‌ها را بگیرد و قانون کپی‌رایت از شیوه ارائه یک سیستم حمایت می‌کند نه از خود آن سیستم پس به صرف وجود نمودارهای ریاضی برای محاسبه حسابداری نقضی نسبت به حق کپی‌رایت سلدن رخ نداده است.

از پرونده‌های معروف حقوق ایران می‌توان به شکایت نویسنده کتاب یوسف صدیق علیه فرج‌الله سلحشور کارگردان سریال یوسف پیامبر اشاره کرد (دادنامه شماره ۸۸۰۹۹۷۰۲۳۰۶۰۰۶۵). خواهان مدعی بود که در نوشتار فیلمنامه سریال یوسف پیامبر از کتاب یوسف صدیق بدون اجازه و پرداخت حق مؤلف استفاده غیرمجاز شده است. دادگاه بدوی رأی به نفع خواهان صادر کرد و ادعا سرقت هنری را پذیرفت و حکم به ۳ سال حبس و جریمه نقدی کارگردان سریال یوسف پیامبر داد، قاضی پرونده بیان داشت که با توجه به شباهت ۲۰ درصدی میان اثر فرج‌الله سلحشور و نویسنده کتاب یوسف صدیق و با توجه به اینکه این کتاب بیش از ۳ سال زودتر از نوشتار فیلمنامه یوسف پیامبر به چاپ رسیده و دارای حق کپی‌رایت بوده است، پس اینجا نقض صورت گرفته است. این رأی حاوی نکاتی غیرمتعارف بود که شاید سؤال برانگیزترین مورد آن تعیین درصد برای میزان شباهت میان دو اثر است با کدام معیار و آزمون درصدی برای شباهت تعیین شد؟ نکته بعدی اینکه قاضی باید اصالت کتاب یوسف صدیق را بررسی می‌کرد (جعفری، ۱۳۹۳: ۳۳). شباهت این دو اثر در کلیات است که ساخته ذهن هیچ‌کدام از این افراد نیست و برگرفته از داستان‌های قرآن و تورات است، درواقع این داستان را نویسنده کتاب یوسف صدیق خلق نکرده است که الآن بابت نقض داستان‌ش شکایت کند.

استفاده از داستان‌های تاریخی و قرآنی خود یک ایده حساب می‌شود و به تنهایی مورد حمایت واقع نمی‌شود، آنچه مورد حمایت است نحوه نمایش درآمدن این داستان‌ها و عناصری مانند دیالوگ‌های خلاقانه و طراحی‌های خاص صحنه و جلوه‌های ویژه است. دادگاه تجدیدنظر با توجه به نکات گفته شده حکم به تبرئه فرج‌الله سلحشور داد و بیان داشت که بخش‌های قابل حمایت دو اثر تفاوت با همدیگر دارند و سریال یوسف پیامبر بر اساس فیلمنامه مستقل خود او ساخته شده است. همان‌طور که با یک نگاه ابتدایی نیز مشخص است، صنعت سینما وابسته به ایده بکر و اصیل است، به‌طوری‌که بعضی ایده اصیل را گران‌بهارترین چیز در این صنعت می‌خوانند (Miler, 2005: 711). اگر ایده بخواهد تحت حمایت قرار گیرد و بعد از اینکه یک فرد در اثرش استفاده کرد، از چرخه استفاده دیگران حذف شود این صنعت با نابودی روبه‌رو خواهد شد که این خلاف فلسفه تصویب حمایت‌های قانون کپی‌رایت برای توسعه آثار ادبی و هنری است.

۵. دفاعیه دکتربین استفاده منصفانه در برابر ادعا نقض حق مالکیت فکری

برای اینکه امکان استفاده مجاز از آثار دارای حق کپی‌رایت میسر شود، دکتربینی ایجاد شد به نام دکتربین استفاده منصفانه. بحث از دکتربین استفاده منصفانه، از قانون کپی‌رایت ایالات متحده آغاز شد (توکلیان، ۱۳۹۷: ۴۶). استفاده منصفانه به افراد این امکان را می‌دهد که بدون نقض حقوق مالکیت فکری، امکان استفاده از آثار دارای حق کپی‌رایت را داشته باشند و هدف از ایجاد آن برقراری تعادل میان دسترسی عمومی و مالکیت خصوصی افراد است (Leaffer, 2010: 450). ماده ۱۰۷ قانون کپی‌رایت ایالت متحده بیان می‌دارد که استفاده منصفانه از یک اثر دارای حق کپی‌رایت در صورتی است که به هدف نقد، آموزشی، فنی و علمی تربیتی باشد. چهار عامل در نظام قضایی آمریکا وجود دارد که مرز استفاده منصفانه را مشخص می‌کند:

۱-۵. هدف و ماهیت استفاده:^۱

استفاده‌ای بیشتر مشمول استفاده منصفانه واقع می‌شود که محتوا اثر اصلی را به شیوه‌ای جدید و متفاوت مجدد خلق نماید، استفاده آگه به این صورت باشد که صرفاً محتوا را کپی کند بدون افزودن چیزی به آن احتمال اینکه تحت دکتربین استفاده منصفانه قرار بگیرد کاهش می‌یابد (Leval, 1990: 1077). همین‌طور باید بررسی شود که این استفاده برای اهداف تجاری بوده که در این صورت تحت دکتربین استفاده منصفانه قرار نمی‌گیرد یا غیر از آن مانند مقاصد آموزشی و تحقیقاتی و نقد.

۲-۵. ماهیت اثر اصلی:^۲

این عامل به دنبال بررسی این مسئله است که اثر استفاده شده، یک اثر خلاقانه بیشتر به حساب می‌آید یا اطلاعاتی، آثار اطلاعاتی و خبری راحت‌تر استفاده از آن‌ها به عنوان استفاده منصفانه مورد پذیرش واقع می‌شود.

۳-۵. اهمیت و مقدار بخشی که مورد استفاده واقع شده:^۳

این عامل مشخص می‌کند که چه مقدار و چه بخشی از اثر مورد استفاده واقع شده، چه بسا بخش کوچکی از یک اثر مورد استفاده واقع شود و همان بخش به اصطلاح قلب اثر و بخش اساسی آن باشد و استفاده بدون اجازه آن تحت عنوان استفاده منصفانه مورد قبول واقع نشود (Crews, 2001: 172).

1. The Purpose and Character of the Use
2. The Nature of the Copyrighted Work
3. The Amount and Substantiality of the Portion Used

۴-۵. تأثیر بر بازار اصلی:^۱

اگر استفاده به نحوی باشد که بازار اثر اصلی را تضعیف کند یا جایگزین آن شود، احتمال اینکه نقض کپی‌رایت تلقی شود بیشتر است، این عامل مهم‌ترین عامل است در تعیین اینکه یک استفاده، منصفانه به حساب می‌آید یا نه (Leval, 1990: 1062).

یکی از پرونده‌های مهم درباره استفاده منصفانه پرونده Andy Warhol Foundation v. Goldsmith (۲۰۲۳) است. در این پرونده گلد اسمیت به‌عنوان عکاس مجموعه‌ای عکس از خواننده معروف پرنس تهیه کرد، اندی وار هول با استفاده از یکی از آن عکس‌ها یک تصویر سیلک اسکرین ایجاد کرد. در سال ۲۰۱۶ اندی وار هول حق استفاده از آن تصویر را به مبلغ ۱۰ هزار دلار به یک مجله فروخت، گلد اسمیت بعد از اطلاع از این مسئله ادعا کرد که حق کپی‌رایت او نقض شده است و وار هول بدون اجازه او اقدام به این کار کرده است. دادگاه بدوی رأی به نفع وار هول صادر کرد و بیان داشت اثر آن تحولاتی نسبت به اثر گلد اسمیت داشته پس تحت اصل استفاده منصفانه قرار می‌گیرد. دادگاه تجدیدنظر رأی دادگاه منطقه‌ای را نقض کرد و بیان داشت که اولاً اثر وار هول به اندازه کافی «نوآوری» یا «خلق جدید» نداشته و ثانیاً مهم‌تر از آن، استفاده وار هول ماهیتی تجاری داشته است؛ از این رو، رفتار او نقض حق مؤلف و نقض کپی‌رایت محسوب می‌شود (Gopnik, 2023: 11).

نتیجه‌گیری

مبحث نقض حقوق مالکیت فکری در آثار سینمایی، به سبب ماهیت تلفیقی این آثار، دارای پیچیدگی‌هایی خاص است که تحلیل آن صرفاً از طریق قواعد کلی و شباهت‌های ظاهری ممکن نیست. معیار شباهت اساسی، ابزاری محوری در شناسایی نقض حقوق مؤلف به شمار می‌رود تعیین‌کننده‌ترین معیار برای شناسایی نقض آثار سینمایی است، اما تشخیص دقیق آن نیازمند بهره‌گیری از آزمون‌های تخصصی و ترکیب آن با برداشت عرفی مخاطب است. بررسی تطبیقی نظام حقوقی ایران و ایالات متحده نشان می‌دهد که در حقوق آمریکا آزمون‌هایی چون آزمون مخاطب عادی و آزمون تحلیل بیرونی و ارزیابی تأثیر اقتصادی نقش پررنگی در فرآیند رسیدگی ایفا می‌کنند و همین امر باعث تشکیل رویه منسجم‌تری شده است؛ حال آنکه در ایران، نبود تصریح قانونی و کم‌توجهی به آزمون‌های علمی باعث ایجاد اختلاف در رویه قضایی شده است.

همچنین تمایز میان ایده و بیان ایده که از اصول بنیادین در حقوق کپی‌رایت است، در برخی آرای داخلی به درستی درک نشده و فقدان تشخیص صحیح نسبت به استفاده‌های مشروع از آثار دیگران، باعث شده تا حمایت

4. The Effect of the on Potential Marked for or Value of the Copyrighted Work

از حقوق مؤلف یا تزییع آن، امری اتفاقی و مبتنی بر برداشت‌های شخصی شود. با توجه به اهمیتی که امروزه این صنعت دارد و آمیختگی‌اش با فرهنگ ایرانی، برای کارآمد شدن نظام حمایت از آثار سینمایی، پیشنهاد می‌شود:

الف. به صورت قانونی، معیارهای تشخیص نقض به‌ویژه شباهت اساسی و ابزارهای تحلیل آن تدوین گردد؛

ب. تخصص‌گرایی در هیئت کارشناسان رسمی دادگستری تقویت شود؛

ج. دادگاه‌ها ملزم به بهره‌گیری از هر دو جنبه عرفی و فنی در تحلیل شباهت میان آثار شوند؛

د. در نظام آموزش حقوقی، آموزش مبحث حقوق سینما و مالکیت فکری آثار سمعی بصری و تقویت گردد.

فهرست منابع

- اسفندیاری، تهمنه (۱۳۹۷). مبانی مسئولیت مدنی ناشی از نقض آثار سینمایی در حقوق ایران، دامغان: اولین همایش ملی ارتقاء نظام مسئولیت مدنی در حقوق ایران چالش‌ها و راهکارها.
- اصلانی، حسن (۱۳۸۴). حقوق مالکیت صنعتی در فضای سایبر، تهران: نشر میزان.
- بادینی، حسن؛ نجفی، حامد (۱۳۹۶). «مطالعه تطبیقی ارکان تحقق نقض غیرمستقیم حق اختراع»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق خصوصی، شماره ۱۸، بهار ۱۳۹۶.
- پورمحمدی، شیما (۱۳۹۲). «حقوق مالکیت فکری آثار سینمایی، فصلنامه حقوق پزشکی»، تهران: ویژه‌نامه حقوق مالکیت فکری.
- توکلیان، سمیه (۱۳۹۷). ضوابط و نحوه تقویم خسارات نقض حقوق مالکیت آثار موسیقایی در حقوق ایران و آمریکا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت.
- جعفری، علی (۱۳۹۳). «بررسی حقوقی ضابطه اصالت آثار ادبی و هنری»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۵.
- حبیب، سعید و اسماعیل کلانتری (۱۳۹۶). بررسی نقش سیاست حقوق مالکیت فکری در همپایی فناورانه کشورهای در حال توسعه، سیاست‌گذاری عمومی، ۳، ۲، ۱۳۸.
- حکمت نیا، محمود و شعبانی، زینب (۱۴۰۱). «مبانی تفکیک ایده از بیان»، حقوق اسلامی، سال نوزدهم، شماره ۷۲.
- خلیل‌اللهی، ملیکا؛ صادقی، محسن و معظمی، شهلا (۱۴۰۳). «اثر نگرش و مبانی اقتصادی بر سیاست‌گذاری کیفی در زمینه مالکیت فکری»، مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲۳، شماره ۵۹.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه دهخدا، جلد ۴، دانشگاه تهران.
- دوران، بهزاد (۱۳۹۱). تأثیر فضای سایبرنتیک بر هویت اجتماعی، پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- زاهدی، مهدی؛ شریف‌زاده، شیرین (۱۴۰۱). «شبهات اساسی در نقض کپی‌رایت با تأکید بر رویه قضایی آمریکا»، فصلنامه علمی پژوهش حقوق عمومی، دوره ۲۴، شماره ۷۵.
- زرکلام، ستار (۱۳۸۸). حقوق مالکیت ادبی و هنری، تهران: انتشارات سمت.
- زرکلام، ستار (۱۳۸۸). حقوق تجارت الکترونیک، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، تهران: انتشارات شهر دانش.
- شاکری، زهرا (۱۴۰۰). «نقض حقوق مؤلف در پرتو اقتباس از اثر دیگری و از آن خودسازی هنری». مجله مطالعات حقوقی، دوره ۱۳، شماره ۴.
- شفیعی، فروزنده (۱۳۹۸). «بررسی نقض مالکیت فکری در فضای مجازی»، فصلنامه علمی-حقوقی قانون یار، دوره ۳، شماره ۱۰.

- شهبازی نیا، مرتضی؛ صادقی، محمود و نجفی، حامد (۱۳۹۸). «نقض نیابتی کپی‌رایت در حقوق ایران و آمریکا». پژوهش‌های حقوق تطبیقی.
- صادقی نشاط، امیر (۱۳۷۶). حمایت حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای کامپیوتری، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- صادقی، محسن (۱۴۰۱). «ماهیت شناسی آثار سینمایی از منظر حقوق مالکیت ادبی و هنری با نگاهی به حقوق فرانسه، انگلستان، آمریکا و هند»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۶۲.
- ضرغام، ادهم و یوسفیانی، آذین (۱۳۹۹). «بررسی نقش الهام و اقتباس در اصالت آثار هنرهای تجسمی»، نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، دوره ۲۵ شماره ۱.
- عمید، حسن (۱۳۶۹). فرهنگ عمید، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- گرچی، ابوالقاسم (۱۳۷۲). «مشروعیت حق و حکم آن با تأکید بر حق معنوی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۲۵.
- لک زائی، ملیحه سادات (۱۴۰۱). «ضمانت اجراهای مرتبط با نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری»، دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات حقوقی و علوم قضایی.
- مصطفوی، مجید (۱۴۰۳). فرهنگ واژه‌ها و مفاهیم سینمایی، تهران: روزنه‌کار.
- مظاهری تهرانی، مسعود (۱۳۹۷). حمایت از مالکیت معنوی در نظام کیفری ایران، دانشنامه پژوه، پژوهشکده باقرالعلوم.
- معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی معین، جلد ۳، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- میرحسینی، سید حسن (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی، تهران: نشر میزان.
- میرشمسی، محمدهادی و جلاتیان دهقانی، حسام (۱۴۰۳). «حمایت از ایده در حقوق مالکیت فکری؛ چالش‌ها و ضرورت‌ها». حقوق فناوری‌های نوین، دوره ۵، شماره ۱۰.
- میرشمسی، محمدهادی، جلاتیان دهقانی، حسام و تیموری، علیرضا (۱۳۹۳). «ایده و حمایت از آن در حقوق مالکیت فکری». فصلنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۴۰.
- نصیری مقدم، نجمه (۱۳۸۶). تحلیل اقتصادی حقوق مالکیت صنعتی، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری، دانشگاه تهران، تهران.

Reference

- Abramowicz, Michael B (2003). Copyright Redundancy, George Mason Law & Economics Research Paper No. 03-03. 2003
- Afori, Orit Fischman (2007). Copyright Infringement without Copying – Reflections On The Thcberg Case, Ottawa Law Review, Vol. 39, No.1
- Aistars, S. M (2023). Copyright's Lost Art of Substantial Similarity. Vanderbilt Journal of Entertainment and Technology Law, 26(1), 109–162.
- Available at: <https://www.vanderbilt.edu/jetlaw/2023/11/27/copyrights-lost-art-of-substantial-similarity/>
- Asay, C. D (2022). An Empirical Study of Copyright's Substantial Similarity Test. UC Irvine Law Review, 13, 35.

- Balganesh, Shyamkrishna (2012). The Normativity of Copying in Copyright Law, *Duke Law Journal*, 62: 2, at 221
- Bartholomew, Mark and Tehranian, John (2006). The Secret Life of Legal Doctrine: The Divergent Evolution of Secondary Liability in Trademark and Copyright Law. *Berkeley Technology Law Journal*, Vol. 21, No. 4
- Beldiman, Dana (2008). *Functionality, Information Works, and Copyright*; Yorkhill Law Publishing,
- Campbell black, Henry (2004). *Black's Law Dictionary*, st. Paul, minn: West Group
- Christopher Jon Sprigman, Samantha Fink, Hedrick (2019). The Filtration Problem in Copyright's Substantially Similarity Test, *Lewis & Clark Law Review*, Vol.23 No.3
- Court of Justice of the European Union (2021). Press Release No 108/21: Judgment in Joined Cases C-682/18 YouTube, <https://curia.europa.eu/jcms/upload/docs/application/pdf/2021-06/cp210108en>
- Crews, K. D (2001). *Copyright Law for Librarians and Educators: Creative Strategies and Practical Solutions*. American Library Association Editions.
- Cronin, C (2014). I Hear America Suing: Music Copyright Infringement in the Era of Electronic Sound. *Hastings Law Journal*, 66(5), 1187–1232
<https://repository.uclawsf.edu/hastings-law-journal/vol66/iss5/2/>
- Draho, Peter (2016). *A philosophy. Of Intellectual property*. Routledge
- Fishman, William (2015). *Copyright Law: Principles and Practice*. New York, Legal Press
- Gopnik, A (2023). How Warhol turned the Supreme Court justices into art critics. *The New Yorker*
<https://www.newyorker.com/news/daily-comment/how-warhol-turned-the-supreme-court-justices-into-art-critics>
- Gregg, Kelly (2021). Intellectual Property Norms In American Theater | The University of Chicago Law Review
<https://lawreview.uchicago.edu/print-archive/intellectual-property-norms-american-theater>
- Hall, Aaron (2023). The Importance of Intellectual Property in Film and Television Production
<https://aaronhall.com/the-importance-of-intellectual-property-in-film-and-television-production/>
- Haskell, Molly (2012). *Steven Spielberg: A life in film*. New York: Knopf
- Kurtz, L. A (1992). Speaking to the Ghost: Idea and Expression in Copyright. *U. Miami L. Rev.* 92, 513
- Leaffer, Marshal (2010). *Understanding Copyright Law* (5th ed). LexisNexis.
- Leval, P. N (1990). Toward a Fair Use Standard. *Harvard Law Review*, 103(5), 1105–1136.
- Loren, L. P, & Reese, R. A (2019). Proving Infringement: Burdens of Proof in Copyright Infringement Litigation. *Lewis & Clark Law Review*, 23(2). Retrieved <https://ssrn.com/abstract=3458667>
- McDonagh, Luck (2012). “Is the Creative Use of Musical Works Without a License Acceptable under Copyright Law, *International Review of Intellectual Property and Competition Law*, Vol. 43: 4, at 411
- Miller, A. R (2005). Common Law Protection for Products of the Mind: An Idea Whose Time Has Come. *Harv. L. Rev*, 119, 705
- MUSO (2022). The Film and TV Piracy Report 2022. CTAM Insights Report. <https://www.muso.com/2022-muso-piracy-film-and-tv-report>
- Netanel, Neil (2008). *Copyright's Paradox*, Oxford University Press
- Nimmer, Melville B, & Nimmer, David (2021). *Nimmer of Copyright*. Lexis Nexis
- Perrin, Samuel R (2017). A critical analysis of the effect of copyright infringement on the UK film and cinema industries. Sheffield: University of Sheffield (LLM Thesis)
- Samuelson, Pamela (2012). The Quest for a Sound Conception of Copyright's Derivative Work Right, *Georgetown Law Journal*, Forthcoming; UC Berkeley Public Law Research Paper No. 2138479. Available
- Sykes Alan O (1998). The Boundaries of Vicarious Liability: An Economic Analysis of The Scope of Employment Rule and Related Legal Doctrines, *Harvard Law Review*, Vol. 101, No. 3
- Tushnet, Rebecca (2004). “Copy This Essay: How Fair Use Doctrine Harms Free Speech and How Copying Serves It.” *Yale Law Journal*, vol. 114, no. 3, pp. 535–590